

شناسایی موانع نقش آفرینی عشایر در تولید ملی با رویکرد «توازن حق مدار»

علی سعیدی*

عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه قم

محمد عندلیب**

دانشجوی دوره دکتری معارف اسلامی و اقتصاد

دانشگاه امام صادق علیه السلام

جواد کجوری هرج***

دانشجوی دوره دکتری معارف اسلامی و اقتصاد

دانشگاه امام صادق علیه السلام

تاریخ پذیرش: 1397/2/17

تاریخ دریافت: 1396/7/7

چکیده

با توجه به مشکلات اقتصادی موجود در کشور و لزوم تقویت بنیه تولیدی اقتصاد مبتنی بر ظرفیت‌های درونی اقتصاد ملی متناسب با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، شناسایی و رفع موانع تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی ضروری به نظر می‌رسد. در این میان، جامعه عشایری کشور علی‌رغم پیشینه درخشان در زمینه نقش آفرینی در اقتصاد ملی و نیز ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه متعدد، هم‌اکنون حضور پررنگی در تولید ملی ندارد. این جامعه که نیرویی مولد و دارای بهره‌وری بالا در اقتصاد است، با موانعی روبه‌روست که نه تنها مانع از آزادسازی ظرفیت‌های آن برای تقویت تولید ملی شده است، بلکه معیشت خود عشایر را نیز دچار مشکل کرده است. این مقاله سعی دارد ضمن شناسایی موانع نقش آفرینی عشایر در حوزه تولید ملی، راهکارهای متناسب با آن‌ها را مطابق نظریه اقتصاد مقاومتی ارائه دهد. روش پژوهش این مقاله، مبتنی بر

1- saeedy@isu.ac.ir

2- andalib@isu.ac.ir

3- j.kojoori@chmail.ir

DOI: 10.22067/erd.v25i16.65363

موضوع‌شناسی، نظام مسائل اساسی، نظام حقوقی بنیادی و نظریه مبناي ناظر به پدیده مشخص شده و نهایتاً ناظر به حوزه تکالیف هر یک از ارکان مسئول، نظام‌نامه تکلیفی استخراج شده و نقش هر رکن در آن مشخص خواهد شد. نهایتاً موانع نقش‌آفرینی عشایر ذیل شش مؤلفه اصلی اقتصاد مقاومتی شامل: درونزایی، برونگرایی، عدالت‌بنیانی، دانش‌بنیانی، مردم‌محوری و رویکرد جهادی، دسته‌بندی و ارائه شد.

کلیدواژه‌ها: عشایر، اقتصاد مقاومتی، تولید ملی، توازن حق‌مدار.

طبقه‌بندی JEL: O21, O11, M38, M39, K30, K49

مقدمه

اقتصاد زمانی می‌تواند مقاوم باشد و به رشد مداوم و باثبات خود ادامه دهد که بخش تولیدی آن قوی و پویا باشد. از این رو اولین گام برای تقویت اقتصاد هر کشوری تحکیم بنیان‌های تولیدی آن در بخش‌های مختلف است. با توجه به سابقه تاریخی و تمدنی ایران، عشایر به‌عنوان نیرویی مولد با بهره‌وری بالا همواره در طول تاریخ فرهنگی تمدنی ایران نقش‌آفرینی کرده‌اند و به‌نوعی نبض اقتصاد کشور را خصوصاً در عرصه تولید انواع محصولات در اختیار داشته‌اند. این نقش‌آفرینی تا حدی است که برخی از محققان، اقتصاد ایران را تا قبل از دوران معاصر، اقتصادی عشایری می‌دانند. با این حال، در حین فرایند مدرن‌سازی ایران و اجرای الگوهای توسعه غیربومی برای پیشرفت کشور، از نقش کلیدی و حساس عشایر در تولید ملی غفلت شده است و این امر باعث نادیده گرفتن ظرفیت عظیم عشایر در عرصه تولید ملی و ایجاد رشد درون‌زا در کشور شده است. ویژگی‌های خاص عشایر که ناشی از سبک زندگی کوچ‌نشینی است، باعث افزایش کارایی در تولید، کاهش هزینه‌های تولید، بهره‌وری بالا و حتی دسترسی سهل‌تر به بازارهای مصرف و در عین حال، تولید محصولات طبیعی و ارگانیک به‌صورت عمده می‌شود. علاوه بر این، با توجه به تهدیدهای پیش روی کشور در عرصه‌های مختلف اقتصادی، تکیه بر نیروها و ظرفیت‌های داخلی برای تقویت بنیان اقتصادی کشور اهمیتی روزافزون می‌یابد.

عشایر به‌عنوان یکی از استوانه‌های مستحکم اقتصادی تمدن ایرانی‌اسلامی در طول تاریخ ترقی کشور، می‌توانند نقش بسزایی در خودکفایی و مقاوم‌سازی اقتصاد کشور ایفا کنند اما متأسفانه در دوران معاصر نه تنها از این ظرفیت هیچ استفاده‌ای نشده است بلکه تلاش‌هایی در جهت از بین بردن

این ظرفیت عظیم صورت گرفته است.

در این مقاله تلاش می‌کنیم بر اساس روش توازن حق‌مدار، به شناسایی عوامل مؤثر بر نقش آفرینی عشایر در تولید ملی و ارائه راهکارهایی برای ارتقای آن ارائه دهیم.

موضوع‌شناسی

عشایر به‌عنوان یکی از اقشار مؤثر در تاریخ حداقل چند صدساله اخیر کشور، فراز و فرودهای مختلفی را خصوصاً در دوران معاصر تجربه کرده‌اند. عشایر همیشه از نظر سیاسی و نظامی مورد بحث حکومت‌های مرکزی بوده و از نظر اقتصادی پیوسته وظایفی بر عهده داشتند (Safinezhad, 1996: 31). این قشر به‌صورت سنتی، زندگی کوچ‌نشینی داشته‌اند و از قیل این سبک زندگی، هم سطح تولید نسبتاً بالای خود را در فصول مختلف سال حفظ کنند. همچنین عشایر به خاطر سبک زندگی کوچ‌نشینی خود، در طول تاریخ عهده‌دار بخش عمده‌ای از تجارت بین مناطق مختلف ایران بوده‌اند. تولید در جامعه ایلی دو نقش مهم و اساسی داشت: نخست در تأمین مواد مورد نیاز و مصرفی در درون ایل و دیگر در مبادله اضافه‌تولید با مواد و کالاهایی که در بیرون از جامعه ایلی و در روستاها و شهرها تولید می‌شد (Blokabashi, 2010: 43).

عمده سلسله‌های حاکم بر ایران تا زمان پهلوی، از عشایر بوده‌اند. آنچه مسلم است تا قبل از استقرار حکومت پهلوی، سلسله‌های مختلفی که بر ایران حکم می‌رانده‌اند یا خود عشایری بوده و یا به اتکای نیروی نظامی عشایر امکان استقرار یافته‌اند (Kiawand, 1989: 5). با این حال، با روی کار آمدن رضا پهلوی، بیشتر ایل‌ها و چادرنشینان و طوایف عشایری خلع سلاح شدند (Afshar, 1987: 20-21).

با تشکیل حکومت پهلوی اول، تلاش‌های فراوانی برای ایجاد دولت-ملت مدرن در ایران صورت گرفت. یکی از الزامات تشکیل دولت-ملت جدید، متحدالشکل ساختن بافت اجتماعی و ساختارهای نهادی آن بود و این سرآغاز درگیری حکومت مرکزی با عشایر بود (Amanollahi, 1991: 237-241). از سوی دیگر، رضا پهلوی برای تحکیم پایه‌های دولت-ملت خود در کشور، اقدام به تأسیس ارتش ملی کرد. ارتش ملی از دو جهت منجر به تضعیف عشایر در طول سالیان شد: یکی اینکه دیگر نیاز حکومت مرکزی به نیروی جنگ‌آور و مبارز عشایر کاهش و مرتفع گردید؛ از سوی دیگر، عشایر به دلیل روحیه آزادمندی و ظلم‌ناپذیری، مدام علیه استبداد

و استعمار دست به قیام می‌زدند و از این منظر، خطری بزرگ برای حکومت مرکزی و متحدان استعمارگرش به حساب می‌آمدند؛ به همین خاطر، در دوران رضاخان درگیری‌های زیادی با عشایر نقاط مختلف از جمله لرستان، بختیاری، بویراحمد و کهگیلویه، فارس، بلوچستان، کردستان، آذربایجان، خراسان و خوزستان صورت گرفت و با ترفندهای گوناگون، عشایر را سرکوب کردند. مهم‌ترین اقدامات رضا پهلوی در تضعیف عشایر عبارت بودند از: اسکان اجباری، جایگزینی سیاه‌چادرهای عشایر با چادرهای برزنتی وارداتی به منظور وابسته کردن اقتصادی عشایر، خلع سلاح، اجرای سیاست‌های متحدالشکل کردن لباس، دخالت در گماردن مأموران نظامی و انتظامی در رأس ایلات و به هم ریختن ساختار عشیره‌ای، تصرف زمین‌ها و مراتع عشایر توسط زدو بندهای سیاسی، تبعید عشایر و نهایتاً تأسیس دارالتربیه عشایری (Amanollahi Baharvand, 1991: 241-247).

اگرچه تأثیر منفی فعالیت رضاشاه علیه عشایر به حدی بود که مجبور شد در سال‌های آخر حکومت خود آن را تعدیل کند (Lamton, 1966: 502)، اما در زمان پهلوی دوم، مبارزه با عشایر از حالت سخت نظامی به استفاده از شیوه‌های نرم‌تر تغییر حالت داد. بدین منظور، سیاست‌های مختلف اسکان عشایر طراحی و اجرا شد تا این قشر را در میان دیگر اقشار روستایی و شهری، مضمحل کنند. تعیین قیمت‌های پایین غیرمنصفانه، اصلاحات ارضی و ملی کردن جنگل‌ها عملاً زندگی عشایر را از درون متلاشی کرد و بسیاری از مردم عشایر را به سمت روستاها و شهرها روانه ساخت تا به عنوان نیروی کار مزدبگیر، در بنگاه‌های اقتصادی سرمایه‌داری مشغول به کار شوند. توجه به سرمایه‌های خارجی به حدی بود که برای این سرمایه‌ها نسبت به سرمایه‌های خارجی امتیاز خاص قائل می‌شدند (Ivanov, 1976: 196).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش‌های فراوانی برای خارج کردن عشایر از محرومیت انجام شد. جامعه عشایری در کنار جامعه روستایی و شهری به رسمیت شناخته شد و جهاد سازندگی و سازمان امور عشایر عهده‌دار رسیدگی به عشایر از جانب دولت شدند. همچنین شورای عالی عشایر به عنوان نهاد هماهنگ‌کننده دستگاه‌های مرکزی و محلی تأسیس شد و بودجه‌های دولتی مختلفی برای خدمت‌رسانی به عشایر در نظر گرفته شد. آموزش و بهداشت و تأمین زیرساخت و کالاهای اساسی برای عشایر و نیز تأسیس تعاونی‌های عشایری زمینه را برای محرومیت‌زدایی از عشایر فراهم ساخت.

با این حال، مشکل اساسی در خدمت‌رسانی‌های دهه شصت، غفلت از خودکفایی و درون‌زایی عشایر بود به نحوی که عشایر در طول این دوره به شدت به خدمات دولتی وابسته شدند و زمانی که دولت در دهه هفتاد تصمیم به کاهش بودجه عشایر گرفت و برخی از خدمات خود را کاهش داد، عشایر به شدت آسیب دیدند. همچنین اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت و تشویق عشایر به اسکان داوطلبانه و نیز گسترش آموزش عالی و تمایل عشایر به تحصیلات عالی و فقدان برنامه‌ریزی برای تحصیل عشایر در رشته‌های مرتبط با عشایر، باعث کاهش شدید جمعیت عشایر کوچک‌رو شد. در واقع، خدمت‌رسانی به عشایر پس از پیروزی انقلاب، فاقد مبنای نظری منسجم و برآمده از آموزه‌های انقلاب اسلامی بود و به همین دلیل، علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته، در حال حاضر جامعه عشایر همچنان با محرومیت‌ها مواجه است و پیش‌بینی می‌شود با روند فعلی، در آینده‌ای نه‌چندان دور، این قشر از جامعه به کلی نابود شود و جز ماکتی‌ترین برای جذب گردشگر و خلق تصاویر زیبا در طبیعت، چیزی از آن باقی نخواهد ماند.

با وجود اینکه جمعیت عشایر حدود ۲ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد، اما عشایر با تولید حدود ۲۰ درصد از نیازهای انواع پروتئین حیوانی کشور (که عمدتاً گوشت قرمز گوسفندی و یک کالای تقریباً راهبردی است)، جزو مولدترین قشر از اقشار جامعه ایرانی به شمار می‌روند؛ یعنی هر فرد به اندازه ده نفر تولید می‌کند. با مقایسه سه سرشماری انجام‌شده در سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷، سالانه به طور متوسط تعداد دام قابل عرضه ۲/۲ درصد، تولید گوشت ۲/۹۵ درصد، میزان اراضی آبی ۶/۹ درصد، باغات ۱۵ درصد و میزان کل تولیدات ۴ درصد رشد داشته است. رشد کل در طی سال‌های اخیر از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ سالانه بالغ بر ۷ درصد بوده است (Nomadic Affairs Organization). هم‌اکنون ۹۵ درصد دام سبک‌مورد نیاز کشور برای تولید گوشت، از دام‌های سنتی و عشایری است (Pourian, 2017). تولیدات عشایری در این زمینه علاوه بر کمیت، دارای کیفیت بالایی هم می‌باشد. تغذیه دام‌ها از مراتع طبیعی و گیاهان دارویی، اهمیت استفاده از این محصولات را بیش از پیش نمایان می‌کند.

روش تحقیق

نوآوری عمده پژوهش حاضر، استفاده از روش‌شناسی «توازن حق‌مدار» در شناسایی موانع نقش آفرینی عشایر در تولید ملی است. غایت توازن حق‌مدار، احقاق حقوق ارکان مختلف دخیل

در پدیده به صورتی متوازن است تا از این طریق، ظرفیت‌های درونی موجود در پدیده زمینه‌های رشد همگون آن را به وجود آورد. بر اساس این روش‌شناسی، ابتدا با تدقیق و تعمیق در جنبه‌های مختلف پدیده مورد مطالعه، موضوع‌شناسی نسبتاً جامعی از آن به دست می‌آوریم. از دل این موضوع‌شناسی، نظام مسائل اساسی پدیده استخراج می‌شود. سپس با تحلیل جوانب موضوع و نیز با مراجعه به قوانین و شرع، نظام حقوقی بنیادی ناظر به پدیده و به تفکیک ارکان اجتماعی دخیل در آن، استخراج می‌شود. در مرحله بعد، نظریه مبنای ناظر به پدیده که بیانگر ابعاد نظری و بنیان‌های فکری و ارزشی پدیده مورد بحث است تبیین می‌شود. نهایتاً برای خروجی پژوهش که ناظر به حوزه تکالیف هر یک از ارکان مسئول است، نظام‌نامه تکلیفی استخراج شده و نقش هر رکن در آن مشخص خواهد شد (Zaribaf et al., 2015: 172-173).

به طور کلی، پنج گام را می‌توان در روش‌شناسی توازن حق‌مدار شناسایی کرد (Zaribaf et al., 2015)؛ در گام اول، موضوع مورد بحث به صورتی جامع و با نگاهی کل‌نگر بررسی می‌شود. در این گام، با استفاده از رویکرد تاریخی، سابقه موضوع (عمق) بررسی می‌شود؛ با رویکرد تحلیلی، در یک مقطع زمانی خاص (زمان مورد مطالعه) در اقتضائات عقلی و تحلیلی و روابط متغیرها و علل و عوامل تدقیق می‌شود (طول)؛ و با رویکرد عملیاتی، آثار و لوازم پدیده‌ها و متغیرها در عرصه تعیین خارجی بررسی می‌شود (عرض). بدین ترتیب، نمایی جامع (شامل طول و عرض و عمق) از پدیده مورد نظر به دست می‌آید. در هر یک از این رویکردها، بسته به موضوع مورد بررسی، از تکنیک‌های مختلف جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها استفاده می‌شود. به عنوان نمونه، مطالعات تاریخی عمدتاً بر اساس اسناد و منابع کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد؛ در حالی که در رویکرد تحلیلی، روش‌های عقلی و قیاسی و تأملی به کار می‌رود. در رویکرد عملیاتی نیز می‌توان از مصاحبه، مشاهده و مدلسازی استفاده کرد.

در گام دوم، سعی می‌شود «نظام مسائل» مربوط به پدیده مورد بررسی استخراج شود. نظام مسائل مجموعه‌ای رتبه‌بندی شده از مسائل مربوط به موضوع مورد بحث است. مسائل به صورت ال‌ا‌هم فال‌ا‌هم رتبه‌بندی می‌شوند و به پژوهشگر درحین تحقیق و سیاست‌گذار در مرحله استفاده از نتایج تحقیق، این امکان را می‌دهد که درک صحیحی از مسائل اولویت‌دار داشته باشند و امکانات و توان خود را صرف مهم‌ترین مسائل کنند و از حواشی بپرهیزند.

در گام سوم، با رجوع به منابع نقلی و عقلی و با توجه به شناخت نسبتاً جامعی که در گام‌های

قبلی از موضوع به دست آمده است، حقوق و احکام شرعی راجع به موضوع مطالعه استخراج می شود. این مرحله، حساس ترین و دقیق ترین مرحله پژوهش است و در آن، یا خود پژوهشگر باید در مسائل دینی صاحب نظر باشد یا اینکه به متخصصان و علمای دینی رجوع کند و نهایتاً «نظام حقوقی» ناظر به موضوع مطالعه را به دست آورد. منظور از نظام حقوقی، مجموعه ای منظم و رتبه بندی شده از احکام و قضایای شرعی و عقلی درباره موضوع مطالعه است.

در گام چهارم، پژوهشگر با تطبیق نظام حقوقی گام سوم با نظام مسائل گام دوم، باید به «نظریه مبنا» دست یابد. توضیح اینکه نظام حقوقی استخراج شده در گام سوم، یک نظام مطلق و ثابت نیست بلکه بسته به اقتضات زمانی و مکانی ممکن است دچار تعدیلاتی شود. از آنجا که «لا یكلف الله نفساً الا وسعها»، همواره احکام شریعت در حد وسع مکلفان امکان تبعیت و اجرا دارد؛ بنابراین نظام حقوقی نیز باید با اقتضات و شرایط زمان و مکان مورد مطالعه، متناسب سازی شده و نظریه مبنا را شکل دهد. نظریه مبنا، عصاره گام های قبلی در شناخت موضوع و احکام شرعی و عقلی ناظر به آن است. به عبارت دیگر، نظریه مبنا نقشه راهی است برای پیاده سازی و عینیت بخشی به آموزه های دینی در موضوع مطالعه.

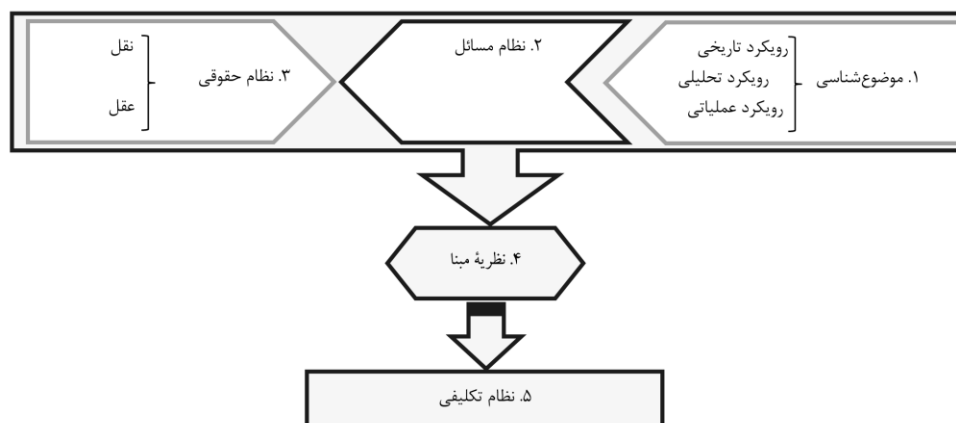
در گام پنجم، می باید نظام تکلیفی ناظر به ارکان مختلف دخیل در پدیده مورد بررسی استخراج شود تا وظایف هر یک از آن ها در قبال موضوع مشخص شده و برنامه های راهبری و عملیاتی ناظر به آن ها تدوین و اجرا شود.

بدیهی است که پیمودن هر یک از این گام های پنج گانه به صورتی نسبی تکاملی است و در طول زمان هر کدام از آن ها ممکن است تقویت و تکامل بیشتری پیدا کند. مثلاً شناخت موضوع با صرف زمان و امکانات بیشتر می تواند «جامع تر» شود؛ همینطور نظام مسائل و نظام حقوقی و نظریه مبنا و نهایتاً نظام تکلیفی می تواند فربه تر و کامل تر شود. با این حال، در هر سطحی از شناخت و پژوهش، حدی از توازن و احقاق حقوق محقق می شود و لذا هر چه پژوهش دقیق تر و مفصل تر شود، شاخص عدالت ارتقای بیشتری پیدا می کند.

نظام مسائل

پس از ترسیم وضعیت عشایر در اقتصاد و تولید ملی، لازم است نظام مسائل عشایر استخراج شود. نظام مسائل ناظر به دغدغه ها و کمبودهای اساسی و محوری در زندگی عشایر است که

استخراج و اولویت‌بندی آن‌ها می‌تواند در تصمیم‌گیری نهایی برای رفع موانع تولید عشایر مؤثر باشد. بدین منظور، مجموعه‌ای از مصاحبه‌های باز با سه دسته از افراد صورت گرفت: دسته اول، نخبگان و صاحب‌نظران در زمینه عشایر بود. بدین منظور با افراد مختلفی که فعلاً یا قبلاً درگیر امور عشایر بودند چه در سازمان بسیج و چه در جهاد سازندگی یا در نهادهای دولتی مصاحبه‌هایی انجام شد.



تلاش‌هایی صورت گرفت تا با صاحب‌نظران دانشگاهی نیز مصاحبه‌هایی صورت گیرد ولی متأسفانه کسی حاضر به مصاحبه نشد. دلیل عمده برای امتناع از مصاحبه را آگاهی نداشتن از مسائل عشایر عنوان می‌کردند. سپس به سراغ مسئولان امور عشایر هم در سازمان امور عشایری و هم در سازمان مراتع و جنگل‌داری و منابع طبیعی رفتیم و مصاحبه‌هایی با ایشان انجام شد. در نهایت به پیشنهاد بسیج جامعه عشایری، استان چهارمحال و بختیاری به‌عنوان منطقه مطالعات میدانی انتخاب شد و مصاحبه‌هایی با مردم عشایر که در اوایل بهار در حال کوچ به این استان بودند و برخی هنوز استقرار کامل نیافته بودند، صورت گرفت. نتایج این مصاحبه‌ها با روش داده‌بنیاد^۱ مؤلفه‌گیری و مقوله‌بندی شد. نتایج به‌دست آمده^۲ به شرح زیر است:

1- Grounded theory

۲- در پی‌وست شرح یافته‌ها آمده است.

مسئولان و کارشناسان دولتی معتقدند عشایر در یک «سیر طبیعی» در حال اضمحلال و همسان شدن با دیگر اقشار جامعه هستند و دولت نه اراده و نه توان جلوگیری از این واقعیت را دارد. در راستای ساماندهی عشایر دولت موظف به انجام دو کار شده است:

الف) اسکان عشایر داوطلب، برنامه ریزی و حمایت از آن؛

ب) ساماندهی عشایر کوچنده (Arranging Regulation of Nomadics, 2005: Article 2). همچنین دولت موظف است زیرساخت‌هایی را برای سهولت کوچ عشایر و در مناطق بیلاقی و قشلاقی ارائه کند. در نهایت دیدگاه کارشناسان این است که برای خدمت‌رسانی بیشتر به عشایر، بهتر است عشایر اسکان پیدا کنند. البته هیچ اجباری برای اسکان عشایر وجود ندارد اما این نوع نگاه به عشایر خودبه‌خود عشایر را تشویق می‌کند که اسکان پیدا کنند. از سوی دیگر، عشایر اسکان یافته نیز چندان از خدمات دولتی بهره‌مند نمی‌شوند چه اینکه خود روستاها دچار محرومیت‌های فراوانی هستند و اضافه‌شدن عشایر به آنان بر مشکلات روستاها و توسعه روستایی افزوده است.

سازمان منابع طبیعی با اعمال محدودیت‌های گسترده و دست‌وپاگیر، عملاً عشایر را در چرای دام‌های خود با مشکل مواجه کرده است (What is Rangeland Note, 2017). نگاه کارشناسان این سازمان آن است که چرای دام توسط عشایر باعث فرسایش مراتع می‌شود و بدین منظور عشایر باید چرای خود را در مراتع محدود کنند و در عوض از خوراک دام برای دام‌های خود استفاده کنند. همچنین حفر چاه برای استخراج آب موردنیاز عشایر با مشکلات قانونی مختلفی مواجه است. این عوامل هزینه تولید عشایر را به شدت افزایش می‌دهد.

نخبگان امور عشایر، دغدغه‌های خوبی برای توسعه سبک زندگی عشایر و حفظ کوچ‌رویی آن‌ها داشتند و در این زمینه راهکارهای خلاقانه متعددی پیشنهاد می‌کردند. متنوع‌سازی منابع درآمدی عشایر از طریق آموزش مهارت‌های زراعت و پرورش زنبور و اسب و... نیز راهکارهایی برای کاهش هزینه‌های خوراک دام خصوصاً در مناطق قشلاقی از جمله پیشنهادهای ایشان بود. با این حال، اتکا به دانش‌های روز که عمدتاً متکی بر فناوری‌های انباشتی و غیربومی و گران است، اجرای راهکارهای آنان را با مشکلات جدی مواجه می‌سازد.

مصاحبه با مردم عشایر نشان داد که مردم عشایر به جای آنکه بیشتر به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های درونی خود اتکا داشته باشند، چشم امید به امکانات و تسهیلات دولتی و حکومتی دوخته‌اند. این

نوع نگاه که متأسفانه سال‌هاست در میان عشایر نهادینه شده است باعث شده که این قشر که روزگاری سرآمد خودکفایی و مقاومت بوده است، اکنون به قشری وابسته و نسبتاً منفعل و رو به انقراض تبدیل شود.

به‌طور کلی مسائل عشایر در حوزه تولید را می‌توان در سه حوزه قبل از تولید، حین تولید و پس از تولید دسته‌بندی کرد. رتبه‌بندی و اولویت‌گذاری این مسائل بسته به منطقه عشایری مدنظر ممکن است متفاوت باشد. چکیده این مسائل به تفکیک مذکور در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱: نظام مسائل تولید عشایر

<p>کمبود نیروی انسانی و مسئله کاهش جمعیت ترجیح شهرنشینی بر کوچندگی توسط عشایر توجه‌نکردن مسئولان به ظرفیت‌های زندگی کوچ‌نشینی و اصرار بر سیاست‌های اسکان به‌روزشدن سبک زندگی کوچ‌نشینی با تحولات جدید و اقتضات تاریخی حاضر اکتفاکردن به اقتصاد سر به سر و بدون مازاد فقدان درک صحیح و بلندمدت از جایگاه عشایر در تولید ملی فقدان روحیه ابتکار و فکر و اندیشه اتکای صرف به دامداری و استفاده‌نکردن از دیگر ظرفیت‌های زندگی کوچ‌نشینی: صنایع دستی زراعت و کشاورزی تولید عسل جمع‌آوری گیاهان کوهی و دارویی پرورش اسب و دام‌های سنگین محرومیت عشایر نسبت به سایر اقشار جامعه دسترسی نابرابر به امکانات و فرصت‌ها آموزش بهداشت حمل‌ونقل تسهیلات اجتماعی مانند بیمه، بانک و ... نداشتن نگاه پیشرو به سبک زندگی کوچ‌نشین و انتخاب زندگی عشایری از روی ناچاری تلاش‌نکردن برای شناخت و فعال‌سازی ظرفیت‌ها و مزایای زندگی کوچ‌نشینی نداشتن اندیشه خودکفایی و استقلال از کمک‌های بیرونی و دولتی</p>	<p>مسائل پیش از تولید</p>
<p>مسئله مراتع مشکل کمبود آب برای دام‌ها مشکل کمبود علوفه در تابستان و زمستان</p>	<p>مسائل حین تولید</p>

<p>بالابودن هزینه‌های خوراک و بهداشت دام و ناچار شدن به فروش زود هنگام دام</p> <p>تلفات در مسیر کوچ</p> <p>نامنی ایله‌ها</p> <p>راهزنان</p> <p>حمله حیوانات وحشی</p> <p>وابسته بودن به خدمات دولتی</p> <p>تکیه بر فناوری‌های وارداتی سرمایه‌بر برای حل مشکلات عشایر</p> <p>به روز نشدن ابزارها و شیوه‌های تولیدی عشایر به گونه‌ای سازگار با سبک زندگی کوچ‌نشینی</p> <p>نداشتن دانش کشاورزی و دامداری کافی و اکتفا به شیوه‌های سنتی موروثی</p> <p>نداشتن راهکارهای علمی و فناوریانه برای کاهش هزینه‌ها (مثلاً اصلاح نژاد دام‌ها)</p> <p>فقدان تولید و نوآوری در فناوری‌های سازگار با زندگی کوچ‌نشینی</p> <p>انتظار و توقع از دولت برای تأمین خوراک دام، بهداشت، تسهیلات بانکی و ...</p> <p>ناکافی بودن بیمه عشایر و نبود سازوکار بیمه‌های بومی برای استقلال عشایر از بیمه‌های متعارف</p> <p>فقدان تشکیلات و سازمان تولید</p>	
<p>مشکل مجوزهای بهداشتی برای محصولات دامی</p> <p>نبود خریدار کافی در محل در زمان عرضه دام عشایر و کاهش شدید قیمت دام</p> <p>نبود امکان عرضه مستقیم دام و محصولات دامی به مصرف‌کنندگان</p> <p>نبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل از جمله جاده و وسایل انتقال تولیدات به سمت مصرف‌کنندگان</p> <p>ناعادلان‌بودن نظام توزیع محصولات عشایر</p> <p>نبود امکان عرضه مستقیم محصولات</p> <p>حضور دلالان و واسطه‌ها</p>	مسائل پس از تولید

نظام حقوقی

گام سوم در روش‌شناسی توازن حق‌مدار، استخراج نظام حقوقی ناظر به پدیده است. نظام حقوقی مشتمل بر حقوق اساسی و پایه‌ای پدیده مورد نظر همراه با شناسایی ارکان حقوقی ناظر به حقوق است. در واقع نظام‌نامه حقوقی، مجموعه‌ای از حقوق پایه‌ای ناظر به پدیده مورد بررسی است. ارکان حقوقی عبارت است از افراد حقیقی یا حقوقی یا نهادهایی که در قبال این حقوق تکالیفی را بر عهده دارند. به منظور استخراج نظام حقوقی عشایر، ابتدا به مرور دیدگاه‌های مقام معظم رهبری درباره عشایر پرداختیم تا حقوق عشایر را از نگاه ایشان استخراج کنیم. سپس قانون اساسی را مرور کردیم و برخی حقوق پایه‌ای را که به موضوع پژوهش مربوط می‌شد، فهرست کردیم. نهایتاً به قوانین و آیین‌نامه‌های مصوب در زمینه عشایر مراجعه کردیم و با مرور و

دسته‌بندی آن‌ها، حقوق مصرح عشایر در قوانین را به دست آوردیم. مهم‌ترین این قانون‌ها عبارت بودند از «قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور» و «تصویب‌نامه تشکیل شورای عالی عشایر ایران».

اگرچه قوانین متعددی در زمینه حمایت از عشایر تصویب شده و بعضاً به اجرا هم در آمده است اما خلأ نظری در مقررات مشهود است. در واقع نگاه واضعان قوانین صرفاً در جهت خدمت‌رسانی و محرومیت‌زدایی از عشایر بوده است و کمتر به دنبال تقویت عشایر به منظور رشد درون‌زای این قشر و حتی بهره‌گیری از آنان برای حل دیگر مسائل کشور بوده‌اند.

با تحلیل این حقوق و تکمیل آن‌ها با یافته‌های پژوهش، نهایتاً به نه حق پایه‌ای در عرصه تولید عشایر دست یافتیم^۱. این حقوق به تفکیک پیش از تولید، حین تولید و پس از تولید به شرح زیر می‌باشند:

جدول ۲: حقوق پایه‌ای تولید عشایر

توسعه انسانی	پیش از تولید
تأمین نهاده‌های تولید	
تأمین زیرساخت	
امنیت	حین تولید
بیمه و تأمین اجتماعی	
تأمین مالی	
قیمت‌گذاری منصفانه	پس از تولید
دسترسی به بازار	
حمل‌ونقل	

هر کدام از این حقوق، تکالیفی را برای ارکان نظام حقوقی ایجاب می‌کند. با مرور بیانات رهبر معظم انقلاب^{مدظله‌العالی} و نیز قوانین مختلف ناظر به عشایر، هشت رکن شناسایی شد که در احقاق حقوق عشایر تکالیفی را برعهده دارند. برای هر کدام از این ارکان می‌توان نقشی کلی تعریف کرد

۱- برای اطلاع بیشتر از چگونگی دستیابی به نه حق پایه‌ای تولید عشایر، به مقاله «شناسایی حقوق پایه‌ای تولید عشایر از طریق استخراج نظامنامه حقوقی عشایر» از سوی همین نویسندگان مراجعه کنید.

که در مرحله‌نهایی پژوهش، این نقش‌های کلی با توجه به اصول نظریه‌ مبنا و نیز حقوق پایه‌ای عشایر، جزئی‌تر خواهند شد؛ البته در صورت تصمیم به عملیاتی کردن این پژوهش، می‌توان هر کدام از این نقش‌ها را با کمک متخصصان هر حوزه به‌صورتی دقیق‌تر تعریف کرد. در جدول شماره ۳ نمایی پیشنهادی از این نقش‌های کلی ارائه شده است.

جدول ۳: ارکان نظام‌نامه حقوقی عشایر و نقش‌های کلی آنها

نقش کلی	ارکان حقوقی
شناسایی ظرفیت‌های درونی عشایر و تلاش برای خودکفایی	افراد عشایر
سازماندهی عشایر برای حل مشکلات و پیگیری حقوق	تشکل‌های مردمی غیردولتی عشایری
خدمات‌رسانی برای رفع محرومیت و رساندن عشایر به خودکفایی و زمینه‌سازی برای نقش‌آفرینی آنان در حل مشکلات کشور	دولت
ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های مرکزی و محلی برای حل مشکلات عشایر	شورای عالی عشایر و شوراهای استانی
تصویب و نظارت بر قوانین و بودجه‌های لازم برای رفع محرومیت و رساندن عشایر به خودکفایی و نقش‌آفرینی آنان در حل مشکلات کشور	مجلس
رسیدگی و پیگیری سریع قضایی متجاوزان به حقوق عشایر	قوه قضائیه
پاسداری از هویت انقلابی عشایر و فعال کردن نیروهای مردمی عشایر در پاسداری از انقلاب اسلامی	بسیج
تأمین امنیت عشایر و مشارکت دادن آنها در تأمین امنیت کشور	نیروی انتظامی

نظریه مبنا

نظریه مبنا ضامن انسجام پژوهش و مانع از التقاط و پراکندگی در آن است. در واقع نظریه مبنا مسیر رسیدن از مبنا تا مدل را نشان می‌دهد. مهم‌ترین کارکرد نظریه مبنا، جهت‌دهی مسیر حرکت و تحول پدیده از وضع موجود به سمت وضع مطلوب است.

نظریه‌مبنای مختار در این پژوهش، اقتصاد مقاومتی است. بر اساس این نظریه، عنصر مقاومت باید در زندگی عشایر «فعلیت» پیدا کند. بدین منظور، با تکیه بر بیانات رهبر انقلاب اسلامی مدظله‌العالی به عنوان مبدع این نظریه، شش اصل برای اقتصاد مقاومتی استخراج شد: درون‌زایی، برون‌گرایی، عدالت‌بنیانی، دانش‌بنیانی، مردم‌محوری و فرهنگ و روحیه جهادی. (Supreme Leader's Remarks in the Meeting of Explaining Moqavematy Economy Strategies, 2013) ایده اصلی این است که هر کدام از این شش اصل باید در عشایر تحقق و فعلیت پیدا کند.

مقاومت زمانی محقق می‌شود و پایدار می‌ماند که متکی بر نیروهای درونی پدید آمده باشد. وابستگی پدید آمده به عوامل بیرونی به هر عنوانی، مسیری برای آسیب‌پذیری آن ایجاد می‌کند. ظرفیت‌های سرشار عشایر نویدبخش آن است که نیروهای درون‌زا برای رشد عشایر به صورت بالقوه و حتی بالفعل وجود دارد و تنها کفایت از این فرصت‌ها و توانمندی‌ها به خوبی استفاده کرد (Movahhed, 2015: 38-40). مهم‌ترین گام در این زمینه آن است که هم خود مردم عشایر و هم مسئولان امور عشایری بپذیرند که عشایر می‌توانند با اتکا به نیروهای درونی خود، مشکلات و محرومیت‌های خود را مرتفع کنند.

با این حال، خوداتکایی به تنهایی نمی‌تواند ضامن استقرار و دوام مقاومت باشد بلکه دوام مقاومت مستلزم وجود مزاد در پدید آمده است تا پوشش و حفاظتی برای نیروهای درونی آن ایجاد شود. عشایر نه تنها می‌توانند مشکلات خود را به صورت درون‌زا حل کنند، بلکه می‌توانند به کمک دیگر بخش‌های اقتصادی کشور بیایند و در حل مشکلات اقتصادی و امنیتی و فرهنگی و سیاسی کشور فعالانه مشارکت کنند. بهره‌گیری از عشایر در حل مشکلات کشور صرفاً با تغییر رویکردها به آنان و زمینه‌سازی برای مشارکت آنان امکان‌پذیر است.

یکی از موانع جدی در مسیر شکوفایی اقتصاد عشایر، بی‌عدالتی‌های ساختاری است که در نظام بروکراتیک دولتی به شدت به آن دامن زده می‌شود. رفع تبعیض‌ها و ویژه‌خواری‌ها، تمرکززدایی و توزیع متوازن امکانات و فرصت‌ها در سراسر کشور، توجه ویژه به نقاط دور از مرکز، ایجاد زمینه دسترسی برابر آحاد مردم به فرصت‌ها و زیرساخت‌ها و تسهیلات اجتماعی و عمومی کشور و برنامه‌ریزی برای احقاق حقوق مشروع و قانونی اقشار مختلف می‌تواند زمینه‌ساز آزادسازی گسترده ظرفیت‌های درونی کشور برای رشد و پیشرفت باشد. برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی می‌تواند ضامن رشد درون‌زا و تداوم آن باشد (Kojoori, 2016: 7-10).

از آنجا که الگوی پیشرفت جمهوری اسلامی نسخه‌ای پیشرو و متمایز است، نیازمند نوآوری و خلاقیت و درنوردیدن مرزهای دانش است. در این مسیر، اگرچه از دستاوردهای دانش‌های دیگران استفاده می‌شود اما چون مبدأ و مسیر و منتهای حرکت با الگوهای توسعه غربی کاملاً متفاوت و بعضاً متضاد است، تولید دانش‌ها و فناوری‌های بومی جایگاهی بسیار کلیدی دارد. در حوزه عشایر، دانش‌ها و فنون انباشت‌محور غربی کاربرد چندانی ندارد چون این فناوری‌ها هم با اصل درون‌زایی و هم با اصل عدالت‌بنیانی در تضاد قرار دارد. علاوه بر این، فناوری‌های غربی

عمدتاً با سبک زندگی عشایر سازگار نیستند و اگرچه ممکن است مشکلی را برطرف کنند اما مشکلات متعدد دیگری را به وجود خواهند آورد. بدین منظور، باید گروه‌های دانش‌بنیان مثلاً در قالب اردوهای جهادی شکل بگیرند و مشکلات عشایر را با نوآوری و خلاقیت در تولید فناوری‌های ساده، در دسترس و ارزان مرتفع کنند. (Saeedi et al., 2014)

از سوی دیگر، بر اساس اصل عدالت‌بنیانی، امکانات و فرصت‌ها باید به صورتی متوازن توزیع شود (Saeedi, 2017) و لذا انباشت مقادیر زیادی ثروت و امکانات در محلی خاص هم زمینه‌ساز انحصارگری است و هم توزیع متوازن را خدشه‌دار می‌کند.

اصل پنجم، تکیه بر مردم و مشارکت دادن آنان در حل مسئله است. بر اساس نگاه امام خمینی رحمه الله و رهبر معظم انقلاب اسلامی، مردم جایگاه ویژه‌ای در نظام اسلامی دارند (Hasani & Kojoori, 2016: 80-88). دولت باید صرفاً زمینه‌سازی و نظارت کند و کارها را خود مردم عشایر انجام دهند. ایجاد و توسعه زیرساخت‌ها، برقراری و حفظ امنیت، بیمه، تأمین مالی، قیمت‌گذاری، دسترسی به بازارها و حمل‌ونقل محصولات همگی باید توسط خود عشایر صورت بگیرد و دولت صرفاً بر این مسیر نظارت داشته باشد و هر جا که این زنجیره تولید تا فروش و مصرف با اختلال مواجه شد، باز با مشارکت عشایر، مشکلات را مرتفع سازد. این امر هم به چابک‌سازی دولت کمک می‌کند و هم در راستای خودکفایی و درون‌زایی عشایر است. همچنین می‌توان از ظرفیت‌های عشایر برای رفع مشکلات روستایی و شهری بهره گرفت خصوصاً در تأمین امنیت و خودکفایی کشور در محصولات دامی و زراعی.

ششمین اصل در اقتصاد مقاومتی، روحیه جهادی است. تنها فرهنگ جهادی و تلاش مضاعف می‌تواند مقاومت را در جامعه به فعلیت برساند. در زمینه عشایر، هم خود مردم عشایر باید مجاهدت کنند و با اتکا به نیروهای درونی خود و با ابتکار و خلاقیت مشکلات خود را حل کنند و هم مسئولان دولتی باید تلاش مضاعفی را برای جبران کم‌کاری‌های گذشته خصوصاً در زمان طاغوت انجام دهند و با جهت‌دهی برنامه‌ها و فعالیت‌های خود، زمینه‌ساز خودکفایی و نقش آفرینی عشایر در اقتصاد ملی شوند.

هر یک از این اصول، وظایفی را برای ارکان حقوقی مربوط به عشایر ایجاد می‌کند و برنامه‌ها و اقدامات آن‌ها را جهت‌دهی می‌کند. در نظامنامه تکلیفی نقش هر کدام از این اصول لحاظ شده است. به طور خلاصه، جهت‌گیری کلی ناظر به هر اصل در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول ۴: جهت‌گیری‌های کلی اصول نظریه مبنا

اصول	جهت‌گیری‌های کلی
درون‌زایی	خودکفایی عشایر
برون‌گرایی	ایفای نقش در تولید و اقتصاد ملی
عدالت‌بنیانی	رشد متوازن استعدادها، برابری در فرصت‌ها و بهره‌برداری‌ها
دانش‌بنیانی	دانش‌بنیان کردن سبک تولید و توزیع عشایر
مردم‌محوری	اتکای پیشرفت عشایر بر آحاد مردم عشایر و مشارکت همگانی آنان
فرهنگ و روحیه جهادی	فعلیت‌یافتن روحیه جهادی و تلاش مضاعف در بدنه مردمی عشایر و مسئولان امور عشایری

نظامنامه تکلیفی

پس از شناسایی منزلت پدیده و استخراج نظام مسائل و نظام حقوقی و تبیین نظریه مبنا، به آخرین بخش یعنی تدوین نظامنامه تکلیفی می‌رسیم. در نظامنامه تکلیفی، راهبردهای تحول وضع موجود در قالب اقدامات هر یک از ارکان حقوقی ناظر به هر کدام از حقوق پایه‌ای و در چارچوب هر یک از اصول نظریه مبنا به دست می‌آید. برای ترسیم نظامنامه تکلیفی، از ماتریس سه‌وجهی استفاده می‌شود. سطر اول این ماتریس، حقوق پایه‌ای در سه مرحله پیش از تولید، حین تولید و پس از تولید قرار می‌گیرد. در ستون اول آن، اصول نظریه مبنا لحاظ می‌شود و در ستون دوم آن، در درون هر اصل، ارکان حقوقی جای می‌گیرند. درایه‌های این ماتریس بیانگر تکالیف هر یک از ارکان در هر یک از اصول و ناظر به احقاق هر کدام از حقوق است.

قوانین فعلی برخی از درایه‌های این ماتریس را پر کرده است. خلأهای موجود در درایه‌ها، که بخش عمده‌ای از این ماتریس را تشکیل می‌دهد، نشان‌دهنده کاستی‌های موجود در قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، نهادسازی و اقدامات هر یک از ارکان است. تکمیل این ماتریس با مشارکت متخصصان هر رکن حقوقی و تلاش هر رکن برای انجام وظایف خود، می‌تواند وضع فعلی عشایر را از لحاظ شاخص عدالت‌پذیری ارتقا دهد.

به‌منظور تکمیل درایه‌های این ماتریس، ابتدا جهت‌گیری‌های کلی هر یک از اصول نظریه مبنا را در حقوق پایه‌ای ضرب کرده و سپس متناسب با نقش هر یک از ارکان نظام حقوقی، تکلیف یا تکالیفی را پیشنهاد کرده‌ایم. حاصل ضرب جهت‌گیری‌های اصول شش‌گانه در حقوق پایه‌ای نه‌گانه به شرح زیر است:

جدول ۵: ضرب اصول نظریه مبنا در حقوق پایه‌ای

اصول نظریه مبنا	جهت‌گیری کلی هر اصل	حوزه‌های حقوق تولید	حاصل ضرب اصول در حقوق
درون‌زایی	خودکفایی عشایر	پیش از تولید	توسعه انسانی: آموزش و توانمندسازی عشایر برای خودکفایی
			تأمین نهاده‌های تولید: خودکفایی در تأمین نهاده‌ها
			زیرساخت: وابسته‌نشدن به امکانات و تسهیلات دولتی
		حین تولید	امنیت: تأمین خودجوش امنیت مناطق عشایری
			بیمه: تشکیل صندوق‌های بیمه مردمی و اجتماعی
			تأمین مالی: تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه و تعاونی‌های مالی و اعتباری
		پس از تولید	قیمت‌گذاری منصفانه: لحاظ کردن هزینه تولید در قیمت‌گذاری
			دسترسی به بازار: عرضه مستقیم به مصرف‌کنندگان
حمل‌ونقل: حمل محصولات خود به مناطق شهری			
برون‌گرایی	ایفای نقش در تولید و اقتصاد ملی	پیش از تولید	توسعه انسانی: آموزش و فرهنگ‌سازی برای مشارکت و ایفای نقش عشایر در تولید ملی
			تأمین نهاده‌های تولید: حرکت به سمت مازادداشتن در نهاده‌های تولید عشایر
			زیرساخت: مشارکت عشایر در ایجاد و توسعه زیرساخت‌های کشور
		حین تولید	امنیت: مشارکت عشایر در مرزبانی و تأمین امنیت کشور
			بیمه: گسترش پوشش بیمه‌های مردمی عشایری به سایر اقشار جامعه
			تأمین مالی: گسترش پوشش نهاده‌های مالی مردمی عشایری به سایر اقشار جامعه
		پس از تولید	قیمت‌گذاری منصفانه: لحاظ کردن نیاز و قدرت خرید مصرف‌کنندگان نهایی در قیمت‌گذاری

دسترسی به بازار: مشارکت‌دادن دیگر اقشار در عرضه محصولات و جلوگیری از انحصارگرایی عشایر			
حمل‌ونقل: مشارکت عشایر در نظام حمل‌ونقل کشور			
توسعه انسانی: رشد متوازن استعدادهای عشایر	پیش از تولید	رشد متوازن استعدادها، برابری در فرصت‌ها و بهره‌برداری‌ها	عدالت‌بنیانی
تأمین نهاده‌های تولید: ایجاد امکان بهره‌برداری غیرتبعیضانه از منابع طبیعی توسط عشایر			
زیرساخت: توزیع متوازن زیرساخت‌ها و ایجاد امکان دسترسی برابر عشایر نسبت به دیگر اقشار جامعه			
امنیت: برابری با سایر اقشار جامعه در برخورداری از امنیت	حین تولید	رشد متوازن استعدادها، برابری در فرصت‌ها و بهره‌برداری‌ها	عدالت‌بنیانی
بیمه: برابری با سایر اقشار جامعه در برخورداری از بیمه			
تأمین مالی: دسترسی برابر با سایر اقشار جامعه به نهادهای مالی و پولی			
قیمت‌گذاری منصفانه: لحاظ کردن اصول قیمت عادلانه (نیاز و قدرت خرید مصرف‌کننده، هزینه تولید، سودمندی اجتماعی کالا)	پس از تولید	رشد متوازن استعدادها، برابری در فرصت‌ها و بهره‌برداری‌ها	عدالت‌بنیانی
دسترسی به بازار: برابری با سایر اقشار جامعه در دسترسی به بازار			
حمل‌ونقل: دسترسی برابر با سایر اقشار جامعه به حمل‌ونقل			
توسعه انسانی: آموزش مهارت‌ها و دانش‌های فنی برای افزایش کارایی و بهره‌وری عشایر	پیش از تولید	دانش‌بنیان کردن سبک تولید و توزیع عشایر	دانش‌بنیانی
تأمین نهاده‌های تولید: استفاده از دانش‌ها و فناوری‌های به‌روز، ساده و بومی خرد			
زیرساخت: ابتکار و نوآوری در تأمین زیرساخت‌ها متناسب با سبک زندگی عشایری			
امنیت: نوآوری و خلاقیت و استفاده از فناوری‌های به‌روز، ساده و بومی برای تأمین امنیت	حین تولید		

بیمه: نوآوری و خلاقیت در طراحی نهادهای بیمه‌ای متناسب با سبک زندگی عشایری و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های عشیره‌ای			
تأمین مالی: نوآوری و خلاقیت در طراحی و به‌کارگیری شیوه‌های تأمین مالی بومی و متناسب با سبک زندگی عشایر			
قیمت‌گذاری منصفانه: استفاده از دانش‌ها و مهارت‌های روز متناسب با سبک زندگی عشایری برای قیمت‌گذاری و نظارت بر آن	پس از تولید		
دسترسی به بازار: نوآوری و خلاقیت در تسهیل دسترسی عشایر به بازارها			
حمل‌ونقل: نوآوری و خلاقیت در طراحی و به‌کارگیری وسایل نقلیه متناسب با وضعیت محل زندگی عشایر			
توسعه انسانی: آموزش و تشویق عشایر به مشارکت در پیشرفت جامعه عشایر به‌صورت درون‌زا	پیش از تولید		
تأمین نهادهای تولید: مدل‌سازی و آموزش عشایر برای مشارکت در تأمین نهادهای تولید			
زیرساخت: سهم‌کردن آحاد عشایر در ایجاد و توسعه زیرساخت‌ها			
امنیت: طراحی مدل‌های تأمین امنیت با تکیه بر نقش محوری عشایر	حین تولید		اتکای پیشرفت عشایر بر آحاد مردم عشایر و مشارکت همگانی آنان
بیمه: آموزش و تشویق آحاد عشایر برای راه‌اندازی بیمه‌های مردمی			
تأمین مالی: آموزش و ساماندهی آحاد عشایر برای راه‌اندازی و حمایت از نهادهای پولی و مالی مردمی عشایری			
قیمت‌گذاری منصفانه: مشارکت آحاد عشایر در قیمت‌گذاری و احترام به قیمت‌های منصفانه	پس از تولید		
دسترسی به بازار: آموزش و زمینه‌سازی برای مشارکت آحاد عشایر در دسترسی به بازار			
حمل‌ونقل: آموزش و زمینه‌سازی برای جلب مشارکت آحاد عشایر برای حمل‌ونقل محصولات عشایری			

توسعه انسانی: تربیت مردم عشایر در جهت تقویت روحیه جهادی	پیش از تولید	فعالیت یافتن روحیه جهادی و تلاش مضاعف در بدنه مردمی عشایر و مسئولان مربوط	فرهنگ و روحیه جهادی
تأمین نهاده‌های تولید: تزریق روحیه جهادی برای خودکفایی در تأمین نهاده‌های تولید			
زیرساخت: زمینه‌سازی برای مجاهدت عشایر در ایجاد و توسعه زیرساخت‌ها			
امنیت: مشارکت در تأمین امنیت با روحیه جهادی	حین تولید		
بیمه: مقاومت در نوآوری و طراحی ساختارهای جدید بیمه‌ای مبتنی بر ظرفیت‌های خود عشایر			
تأمین مالی: مقاومت و استمرار در نوآوری مالی و پولی برای تأمین مالی درون‌زای عشایر			
قیمت‌گذاری منصفانه: مجاهدت برای تعیین قیمت منصفانه و پایبندی به آن	پس از تولید		
دسترسی به بازار: تلاش مضاعف برای دسترسی مستقیم به بازار مصرف‌کننده و حذف دلالتان			
حمل‌ونقل: تلاش مضاعف برای حمل محصولات عشایری به بازار			

تحلیل نتایج

در پایان پژوهش، به سؤال اصلی بازمی‌گردیم و با استفاده از یافته‌های پژوهش و به‌ویژه ماتریس تکالیف، متناسب با نظریه اقتصاد مقاومتی و شش مؤلفه اصلی آن، به ارائه پاسخ‌های نسبتاً اجمالی می‌پردازیم.

موانع استفاده از ظرفیت عشایر برای تقویت درون‌زای تولید ملی

این سؤال، محوری‌ترین مسئله پژوهش حاضر است. بر اساس «نظریه اقتصاد مقاومتی» که به‌عنوان نظریه مبنای پژوهش تبیین شد، رکن اصلی در ساماندهی اقتصاد، «مقاومت» است. اولین عنصر در ایجاد مقاومت، درون‌زایی است چراکه بدون درون‌زایی، رشد اقتصادی یا ممکن نیست یا پایدار نیست؛ از آنجا که اقتصاد مقاومتی، اقتصادی روبه‌رشد و پیشرفت است، برون‌گرایی جزء

لاینفک آن است؛ اتکا به دانش و فناوری‌های بومی متناسب با ساخت درونی اقتصاد می‌تواند سرعت رشد اقتصاد را چندین برابر کند؛ عدالت‌بنیانی ضامن استحکام ساخت درونی نظام و متضمن رشد متوازن اقتصاد است؛ مردم‌محوری می‌تواند با توزیع بار اقتصاد میان همه اقشار و آحاد مردم، استقامت اقتصاد را در برابر تکانه‌های خارجی و تهدیدها و تحریم‌های دشمنان افزایش دهد؛ و نهایتاً داشتن روحیه و مدیریت جهادی لازمه آغاز و تداوم مسیر پیشرفت اقتصادی کشور است (Supreme Leader's Remarks in Razavi Holy Shrine, 2015).

این الگو را در حوزه اقتصاد عشایر به عنوان یک کل نیز می‌توان تطبیق داد. بدین منظور، مشکلات و موانع موجود در مسیر نقش آفرینی عشایر در تولید ملی را ناظر به این شش رکن اقتصاد مقاومتی دسته‌بندی می‌کنیم.

موانع درون‌زایی

منظور از موانع درون‌زایی موانعی است که از رشد درون‌زای ظرفیت‌ها و استعدادها ی عشایر و همچنین از ایجاد استعدادهای جدید به گونه‌ای سازگار با سبک زندگی عشایری جلوگیری می‌کند. شاید مهم‌ترین معضل درونی عشایر، جمعیت این قشر باشد. در حال حاضر، بر اساس آخرین سرشماری رسمی عشایر کشور توسط مرکز آمار ایران، نسبت جمعیت عشایر کشور به کل جمعیت به ۱/۶۸ درصد کاهش پیدا کرده است (Movahhed, 2015: 39). نکته بغرنج در مسئله کاهش جمعیت عشایر آن است که عمده جوانان عشایر به امید یافتن زندگی بهتر و جایگاه اجتماعی بالاتر راهی شهرها می‌شوند و جامعه عشایری را از نیروی کار و فکر خود محروم می‌کنند. بر اساس مشاهدات میدانی، به دلیل کمبود نیروی انسانی، در این مدت هیچ استفاده‌ای از شیر دام‌ها نمی‌شود و شیرها صرفاً برای جلوگیری از آسیب‌رسیدن به دام‌ها، روی زمین دوشیده می‌شوند. نبود راه و وسیله حمل‌ونقل مناسب برای انتقال شیرها به سمت مناطق شهری نیز مزید بر علت شده است تا شیرها حتی به صورت خام هم به دست مصرف‌کنندگان نرسد.

دومین مانع در مسیر رشد درون‌زای اقتصاد عشایر، مسئله مراتع است. محدود کردن عشایر به چرا در مناطق و زمان‌های خاص اولاً باعث استهلاک بیشتر آن مناطق می‌شود؛ ثانیاً رقابت عشایر را برای تصاحب این مناطق افزایش می‌دهد و برخی از عشایر برای جلوگیری از استفاده دیگران از مراتع آنها، ناچارند پیش از زمان مقرر و به صورت غیرقانونی به مراتع بیایند و پیش از شکل‌گیری

تخم‌های علوفه، به چرای مرتع پردازند. این امر باعث می‌شود سال بعد علوفه فقط از ریشه‌های علوفه‌های سال قبل رشد کند نه از پراکنش تخم‌های علوفه و نتیجتاً در طول سال‌ها، مراتع به تدریج از بین می‌روند. این در حالی است که عشایر در دهه‌ها و قرن‌های گذشته که هم جمعیت بیشتر و هم دام‌های بسیار بیشتری داشته‌اند، نه تنها تهدیدی برای طبیعت و محیط‌زیست نبوده‌اند بلکه حافظان طبیعی محیط‌زیست بوده‌اند. چرای دام‌ها علاوه بر انجام عملیات گرده‌افشانی، کود حیوانی لازم برای پرورش علوفه‌ها را نیز تأمین می‌کند. به نظر می‌رسد سازمان مراتع طبیعی به‌جای محدود کردن عشایر اگر به انجام طرح‌های احیای مراتع از طریق پراکندن تخم علوفه پردازند، بیشتر می‌توانند از مراتع طبیعی حفاظت کنند (Habibian et al., 2004).

مانع درونی دیگر، کمبود آب برای دام‌ها خصوصاً در ایام تابستان است. عشایر عمدتاً مجبورند برای تأمین آب خود، از مناطق نزدیک روستایی و شهری با تانکر آب تهیه کنند. حفر چاه آب نیز توسط منابع طبیعی ممنوع است. این امر هم دسترسی به آب را دشوار می‌کند و هم هزینه عشایر را افزایش می‌دهد. اگرچه سازمان امور عشایری، آبشخورهایی را برای عشایر در مراکز پرتردد ایجاد کرده است اما لازم است راهکاری درون‌زا و کم‌هزینه برای تأمین آب عشایر ایجاد شود. (Habibian et al., 2004)

مشکل دیگر عشایر، مجوزهای بهداشتی برای تولیدات دامی است. محصولات عشایر از جمله گوشت و شیر و فراورده‌های لبنی پیش از رسیدن به دست مصرف‌کننده باید مجوزهای بهداشتی لازم را کسب کند تا از سالم‌بودن آن‌ها اطمینان حاصل شود. در برخی موارد دسترسی به مأمور بهداشت مورد تأیید وزارت بهداشت دشوار است و در برخی موارد، استانداردهای تعریف‌شده توسط وزارت بهداشت به گونه‌ای است که به‌صورت مبنایی و ساختاری، محصولات محلی عشایری را شامل نمی‌شود و حتی گهگاه مسئولان بهداشت محصولات لبنی محلی را از لحاظ بهداشتی به کلی رد می‌کنند و مردم را از استفاده از آن‌ها برحذر می‌دارند. این امر عرضه و فروش محصولات عشایر را با مشکلات جدی مواجه می‌کند و از ورود آن‌ها به بازارهای رسمی جلوگیری می‌کند (Tavakoli et al., 2007: 2).

از دیگر موانع درون‌زایی عشایر می‌توان به ترجیح زندگی شهرنشینی بر زندگی کوچ‌نشینی توسط عموم عشایر اشاره کرد (*Dissatisfaction of Malekshahi Nomadics from Lack of Attention to Their Problems*, 2017). این ترجیح دلایل مختلفی دارد. در برخی موارد،

تبلیغات و فضای فرهنگی، عشایر را مانند دیگر اقشار کشور، به زندگی مصرف‌گرا و رفاه‌زده شهری تشویق و ترغیب می‌کند. گاهی نیز عشایر به دلیل اهتمام به تحصیل فرزندان و دشواری تحصیل خصوصاً تحصیلات عالی در حین کوچ‌نشینی، یکجانشینی را ترجیح می‌دهند. در کنار این موانع درون‌زایی که در مسیر سبک تولید سنتی عشایر وجود دارد، اقدامی نیز در جهت ایجاد استعدادها و ظرفیت‌های جدید و به‌روز کردن سبک زندگی عشایر با توجه به اقتضات تاریخی عصر حاضر صورت نگرفته است. این در حالی است که با تکیه بر سنت‌ها و سبک زندگی کوچ‌نشینی می‌توان جامعه عشایر را بازتعریف کرد و نقش‌های جدید و پیشرویی را برای آن‌ها ایجاد کرد (Nick Kholq, 2004: 4).

موانع برون‌گرایی

موانع برون‌گرایی موانعی هستند که امکان ارتباط‌گیری و مبادله مؤثر و مستقیم عشایر با دیگر اقشار جامعه در حوزه‌های روستایی و شهری را نمی‌دهند. مهم‌ترین مانع بر سر راه برون‌گرایی اقتصاد عشایر، کاهش مازاد تولید است. این کاهش مازاد ناشی از دلایل مختلفی است که از جمله آن می‌توان به بالابودن هزینه‌های تولید عشایر اشاره کرد. افزایش هزینه‌های خوراک دام اعم از جو یا خوراک صنعتی، زیاده‌بودن هزینه‌های بهداشتی و واکسن‌های دام‌ها و نیز اتلاف دام‌ها در مسیر کوچ به دلیل صعب‌العبور بودن ایلراه‌ها تولیدات دامی عشایر را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، نبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل جاده‌ای و وسایل نقلیه مناسب برای عرضه مستقیم محصولات به مصرف‌کنندگان از دیگر موانع برون‌گرایی عشایر است. همچنین با توجه به اینکه عشایر در زمان خاصی از سال اقدام به عرضه محصولات گوشتی خود می‌کنند، با افزایش عرضه محصولات و نیز هجوم دلال‌ها به این مناطق قیمت نهایی محصولات عشایری به‌شدت کاهش پیدا می‌کند. (Habibian et al., 2004: 2).

یکی دیگر از موانع برون‌گرایی عشایر، اکتفا کردن به اقتصاد سربه‌سر و فکر نکردن برای کاهش هزینه‌ها و ارتقای وضعیت معیشت است. در عشایر مورد بررسی در منطقه چهارمحال و بختیاری، عمدتاً هزینه تولید دام در طول یک‌سال با قیمت فروش آن در فصل عرضه دام، برابر می‌شود و هیچ سود یا مازادی عاید عشایر نمی‌شود و عشایر با توجه به سبک زندگی خود، مایحتاج زندگی خود را تأمین می‌کنند (Salah & Nemati, 2016: 164).

موانع عدالت‌بنیانی

موانع عدالت‌بنیانی مواعی هستند که از رشد متوازن در درون اقتصاد عشایر و احقاق متوازن حقوق عشایر در قبال دیگران جلوگیری می‌کنند. توجه به پیشرفت همه‌جانبه در نگاه اسلامی (Supreme Leader's Remarks in a Large Crowd of Bojnourd People, 2012) و تأکید بر رشد متوازن از آن جهت است که دوام و پایداری رشد در گرو توازن است و بدون آن، رشد در یک حوزه هر قدر هم که زیاد باشد، رشد کاریکاتوری خواهد شد. عشایر در کنار دامداری، ظرفیت‌های تولیدی دیگری نیز دارند که با هدایت و راهنمایی و آموزش آن‌ها می‌توان این حوزه‌ها را نیز فعال کرد. وزارت جهاد کشاورزی در قالب طرح‌های تنوع‌بخشی به فعالیت‌های عشایر (Arranging Regulation of Nomadics, 2005: Note 2, Article 11)، به نوعی به دنبال فعال کردن این ظرفیت‌هاست. صنایع دستی، زراعت و کشاورزی، تولید عسل، جمع‌آوری گیاهان دارویی، پرورش اسب و دام‌های سنگین، غنی‌سازی مراتع و حفاظت از محیط‌زیست از جمله ظرفیت‌هایی است که عشایر به راحتی می‌توانند به آن پردازند. این رویکرد، ضمن بهره‌مند کردن عشایر از ارزش افزوده‌های ناشی از سایر فعالیت‌ها، منابع درآمدی آن‌ها را متنوع سازد و ریسک آن‌ها را به شدت کاهش دهد.

بعد دیگر عدالت ناظر به احقاق حقوق عشایر است. سازمان‌ها و نهادهای مسئول دولتی باید تلاش کنند این حقوق را تأمین کنند و عشایر باید این حقوق را مطالبه کنند. به نظر می‌رسد ضعف عشایر در دفاع از حقوق قانونی خود، یکی از علل مهم محرومیت آنان به شمار می‌رود. سازمان امور عشایر و بسیج جامعه عشایری می‌توانند با ایجاد گروه‌های مشاوره حقوقی، به عشایر در این زمینه کمک کنند (Zaribaf et al., 2015: 9).

مسئله دیگر آن که ناعادلانه بودن نظام توزیع محصولات عشایر موجب می‌شود خود عشایر که سهم عمده را در تولید ارزش افزوده دارند، کمترین سهم را از آن می‌برند و بیشترین بخش ارزش افزوده عاید دلالان و واسطه‌ها می‌شود. فعال کردن تعاونی‌های عشایری با مشارکت خود عشایر می‌تواند تا حدی این مشکل را برطرف کند.

موانع دانش‌بنیانی

این موانع ناظر به مشکلاتی است که در تولید و به کارگیری علوم و فنون موردنیاز عشایر

سازگار با سبک زندگی آن‌ها وجود دارد. در صورت اطلاع و آشنایی عشایر با برخی از دانش‌ها و فنون کشاورزی و زراعت، با کمترین هزینه می‌توانند نه تنها محصولات مایحتاج خود را تأمین کنند، بلکه بخشی از نیازهای کشاورزی کشور را نیز برآورده سازند. به عنوان مثال، با توجه به اینکه عشایر در کوهستان‌ها بیلاق می‌کنند، پرورش زنبورعسل و تولید عسل با کیفیت در آن مناطق کار چندان دشواری نیست اما عمده‌ی عشایر از دانش لازم برای نگهداری و پرورش زنبورعسل آگاهی ندارند. البته وزارت جهاد کشاورزی برنامه‌هایی را برای آموزش عشایر اجرا کرده است اما تا خود مردم عشایر به صورت درون‌زا به سمت فراگیری این علوم و فنون ترغیب نشوند، تحول چشمگیری در این عرصه رخ نمی‌دهد (Saeedi et al., 2014: 8).

موانع مردم‌محوری

این موانع مربوط به مسائلی است که از مشارکت فعال مردم عشایر در تأمین مایحتاج خود و نیز در نقش آفرینی در تولید ملی ممانعت می‌کنند. انتظار از دولت برای تأمین خوراک دام، بهداشت، تسهیلات بانکی و بیمه‌ای و... اگرچه تاحدی جزء حقوق قانونی عشایر است اما باعث غفلت عشایر از ظرفیت‌های درونی خود برای حل این مشکلات می‌شود و در صورت همکاری نکردن نهادهای دولتی، فعالیت‌های عشایر با اختلال مواجه می‌شود. عشایر می‌توانند با همکاری یکدیگر و در قالب تکافل اجتماعی، بیمه‌هایی بومی و متناسب با اقتضائات زندگی کوچ‌نشینی خود ایجاد کنند؛ یا اینکه تعاونی‌های تولید و توزیع مردم‌محور راه‌اندازی کنند تا محصولات خود را به صورت مستقیم عرضه کنند. البته فرهنگ تعاونی در دیگر اقشار کشور نیز ضعیف است و یکی از علل رونق‌نگرفتن تعاونی‌ها در کشور همین ضعف فرهنگی است (Maqsoudi & Saeedi, 2014: 9).

موانع جهادگری

موانع جهادگری موانعی هستند که از ترویج و تقویت روحیه جهادی در عشایر و مدیریت جهادی در نهادها و سازمان‌های متولی امور عشایر جلوگیری می‌کنند. ترویج زندگی مصرف‌گرای شهرنشینی و پرزرق‌وبرق نشان‌دادن آن از طریق رسانه‌های گروهی باعث ایجاد این توهم در اقشار روستایی و عشایری شده است که زندگی در شهرها بسیار راحت و لذت‌بخش است در حالی که از آن روی سکه زندگی شهرنشینی اطلاعی داده نمی‌شود. این روحیه در تضاد

کامل با روحیه جهادی قرار دارد (Movahhed, 2015: 3).

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد علی‌رغم اهتمام رهبران جمهوری اسلامی در محرومیت‌زدایی و تقویت عشایر، ساختارها و نهادهای اجرایی دولتی و تا حدی بدنه کارشناسی و رویکردهای غالب در این سازمان‌ها چندان تمایلی به تحول و اهتمام جدی به عشایر ندارند و در فرایندی آرام، به انقراض این جامعه مولد دامن زده‌اند. تداوم ساختارهای پیش از انقلاب اسلامی در دولت، اگرچه با تغییر سیاست‌ها و برنامه‌ها همراه بوده است، نهایتاً همان خروجی‌هایی را به دنبال داشته است که پیش از انقلاب اسلامی مدنظر طراحان این ساختارها (که عمدتاً مستشاران آمریکایی و انگلیسی بوده‌اند) بوده است.

جدول ۶: موانع نقش‌آفرینی عشایر در تولید ملی به تفکیک اصول نظریه مبنا

<p>کمبود نیروی انسانی و مسئله کاهش جمعیت مسئله مراتع ازبین‌رفتن مراتع موانع قانونی سازمان منابع طبیعی قرق شدن مراتع توسط روستاییان و ساکنان مناطق نزدیک به مراتع مشکل کمبود آب برای دام‌ها مشکل کمبود علوفه در تابستان و زمستان مشکل مجوزهای بهداشتی برای محصولات دامی ترجیح شهرنشینی بر کوچندگی ترویج فرهنگ شهرنشینی و مصرف‌گرایی مشکلات تحصیلات فرزندان خصوصاً در سطوح عالی توجه‌نکردن مسئولان به ظرفیت‌های زندگی کوچ‌نشینی و اصرار بر سیاست‌های اسکان</p>	<p>احیای استعدادها</p>	<p>درون‌زایی</p>
<p>به‌روزنشدن سبک زندگی کوچ‌نشینی با تحولات جدید و اقتضائات تاریخی حاضر</p>	<p>ایجاد استعدادهای جدید</p>	

<p>بالابودن هزینه‌های خوراک و بهداشت دام و ناچارشدن به فروش زودهنگام دام تلفات در مسیر کوچ نبود خریدار کافی در محل در زمان عرضه دام عشایر و کاهش شدید قیمت دام نبود امکان عرضه مستقیم دام و محصولات دامی به مصرف‌کنندگان نبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل از جمله جاده و وسایل انتقال تولیدات به سمت مصرف‌کنندگان اکتفاکردن به اقتصاد سربه‌سر و بدون مازاد</p>	<p>کاهش مازاد تولید</p>	<p>برون‌گرایی</p>
<p>ناامنی ایلراه‌ها نداشتن اسلحه حمله راهزنان حمله حیوانات وحشی از جمله خرس و گرگ</p>	<p>فقدان امنیت</p>	
<p>نداشتن درک صحیح و بلندمدت از جایگاه عشایر در تولید ملی فقر فرهنگی: خودباختگی در برابر فرهنگ شهرنشینی و مصرفی وابسته‌بودن به خدمات دولتی</p>	<p>فقدان بینش اقتصادی</p>	
<p>تکیه بر فناوری‌های وارداتی سرمایه‌بر برای حل مشکلات عشایر به‌روزشدن ابزارها و شیوه‌های تولیدی عشایر به‌گونه‌ای سازگار با سبک زندگی کوچ‌نشینی نداشتن دانش کشاورزی و دامداری کافی و اکتفا به شیوه‌های سنتی موروثی فقدان روحیه ابتکار و فکر و اندیشه</p>	<p>خلأ علم و فناوری بومی</p>	<p>دانش‌بنیانی</p>
<p>نداشتن راهکارهای علمی و فناورانه برای کاهش هزینه‌ها (مثلاً اصلاح نژاد دام‌ها) فقدان نوآوری در فناوری‌های سازگار با زندگی کوچ‌نشینی</p>	<p>به‌صرفه‌نبودن تولید</p>	
<p>اتکای صرف به دامداری و استفاده‌نکردن از دیگر ظرفیت‌های زندگی کوچ‌نشینی: صنایع دستی زراعت و کشاورزی تولید عسل جمع‌آوری گیاهان کوهی و دارویی پرورش اسب و دام‌های سنگین ...</p>	<p>نامتوازن بودن رشد اقتصاد عشایر</p>	<p>عدالت‌بنیانی</p>

<p>محرومیت عشایر نسبت به سایر اقشار جامعه ناعادلانه بودن نظام توزیع محصولات عشایر نبود امکان عرضه مستقیم محصولات حضور دلالان و واسطه‌ها دسترسی نابرابر به امکانات و فرصت‌ها آموزش بهداشت حمل‌ونقل تسهیلات اجتماعی مانند بیمه، بانک و ...</p>	<p>احقاق نشدن حقوق عشایر</p>	
<p>انتظار و توقع از دولت برای تأمین خوراک دام، بهداشت، تسهیلات بانکی و ... ناکافی بودن بیمه عشایر و نبود سازوکار بیمه‌های بومی برای استقلال عشایر از بیمه‌های متعارف فقدان تشکیلات و سازمان تولید</p>	<p>مشارکت در تولید</p>	<p>مردم‌محوری</p>
<p>مصرف مواد خوراکی شهری و وابستگی به تولیدات صنعتی</p>	<p>مصرف در حد کفایت</p>	
<p>نداشتن نگاه پیشرو به سبک زندگی کوچ‌نشین و انتخاب زندگی عشایری از روی ناچاری تلاش نکردن برای شناخت و فعال‌سازی ظرفیت‌ها و مزایای زندگی کوچ‌نشینی نداشتن اندیشه خودکفایی و استقلال از کمک‌های بیرونی و دولتی</p>	<p>فقدان روحیه جهادی در مردم عشایر</p>	
<p>بی‌توجهی دولت و نهادهای دولتی به نقش عشایر در اقتصاد ملی نداشتن انگیزه و اندیشه تحول در نظامات و ساختارها نداشتن ابتکار و خلاقیت لازم در حل مسائل و اتکا به شیوه‌های متعارف وارداتی خستگی و دچار شدن به روزمرگی در اداره امور عشایر نداشتن بودجه‌های کافی تشویق عشایر به اسکان یافتن به خاطر خدمت‌رسانی آسان‌تر به آنان</p>	<p>فقدان مدیریت جهادی در سازمان‌های دولتی متولی امور عشایر</p>	<p>جهادگری</p>

جمع‌بندی

عشایر به لحاظ تاریخی نقش مهمی در تولید ملی کشور بر عهده داشته‌اند اما در چند دهه اخیر با اتخاذ سیاست‌های نادرست و لحاظ نکردن همه جوانب زندگی و معیشت عشایر و همچنین

به دلیل نبود نگاه مبنایی و بومی برای حل مشکلات آن‌ها، کمیت و کیفیت نقش‌آفرینی این قشر مولد جامعه ما در اقتصاد ملی به شدت کاهش یافته است. این در حالی است که بررسی آمار و داده‌های مربوط به عشایر حکایت از بازدهی و بهره‌وری بسیار بالای آنان دارد. در پژوهش حاضر سعی کردیم با نگاه مبنایی و بر اساس نظریه اقتصاد مقاومتی به مسئله عشایر بپردازیم. بدین منظور از روش توازن حق‌مدار استفاده کردیم تا ضمن شناخت ویژگی‌ها و ظرفیت‌های جامعه عشایر در سه سطح تحلیلی، تاریخی و عملیاتی و با لحاظ نظام‌نامه حقوقی عشایر که از قوانین و برنامه‌های مصوب ناظر به این جامعه تصویب شده است، به فهرستی نسبتاً جامع از موانع موجود در مسیر نقش‌آفرینی عشایر در تولید ملی دست یابیم. استفاده از این روش به ما این امکان را می‌دهد تا مسیر مینا تا مدل را طی کنیم یعنی از یک سو، التزام خود را به نظریه مبنای بومی در تمام مسیر پژوهش حفظ کنیم و از سوی دیگر، از سطوح انتزاعی و نظری خارج شده و به سمت مسائل عینی و حل مشکلات معیشتی حرکت کنیم. اگرچه ظرفیت‌های زیادی در این رویکرد وجود دارد اما گسترش جنبه‌های کاربردی این روش‌شناسی نیازمند مطالعات و پژوهش‌های گسترده‌تری از جانب جامعه علمی کشور است.

References

- Afshar Sistani, Iraj. (1987). *An Introduction to Recognition of Tribes and Nomsdics of Iran*, Publisher: Author (in Persian)
- Amanollahi Baharvand, Skandar. (1991). *Nomadation in Iran; A Study on Tribes and Comadic*, Tehran: Agah (in Persian)
- Arranging Regulation of Nomadics*. (2005). Islamic Parliament Research Center Of The Islamic Republic Of Iran (in Persian)
- Blokabashi, Ali. (2010). *Tribe Community in Iran*, Tehran: Office of Cultural Studies (in Persian)
- Dissatisfaction of Malekshahi Nomadics from Lack of Attention to Their Problems*. (2017). Dana News Agency, News ID: 1100027 (in Persian)
- Habibian, Seyyed Hamid, Mehrabi, Ali Akbar, Arzani, Hossein and Shaukat Fadaei, Mohsen. (2004). *Review and Compare the Production Situation and Exploitation of Summer Ranges between Nomads Have been Settled Voluntarily in Dasht-e Boker (Fars)*. The Journal of Iranian Natural Resources, No. 1 (in Persian)
- Hasani, Mojtaba and Kojoori, Javad. (2016). *Moqavematy Economy and Holy Defense: A Study of the Experience of Holy Defense and Its Results for Moqavematy Economy*, Tehran: Sadid (in Persian)
- Ivanov, M.S. (1976). *Modern History of Iran*, Translation: Tizabi, Hooshang, Tehran: Sloop (in Persian)
- Jehle, Geoffrey A. & Reny, Philip J. (2000). *Advanced Macroeconomic Theory*,

Addison Wesley, Second Eddition

Kiawand, Aziz. (1989). *Government, Politics and Nomadics; from Qajar to now*, Nomads Publications (in Persian)

Kojoori, Javad. (2016). *Advantage Theory and Economic Threats of Balanced Growth & Development*, The Magazine of Economic Defense, No. 19 (in Persian)

Lamton, A.K.S. (1966). *Owner and Farmer in Iran*, Translation: Amiri, Manouchehr, Translating and Publishing Agency (in Persian)

Maqsoudi, Hamid Reza and Saeedi, Ali. (2014). *The Project for Formation of Economic Resistance Nuclears*, Research Institutation of Basics and Native Economic Models, Internal Publication. (in Persian)

Movahhed, Abdullah. (2015). *Barriers to Nomadic Role in National Production*, The Magazine of Economic Defense, No. 7 (in Persian)

Nick Kholq, Ali Akbar. (2004). *The Sociology of Nomads of Iran*, Iran National Journal, No. 3 (in Persian)

Pourian, Mansour. (2017). %95 of Necessary Stock for Country to Produce Meat Is Provided from Nomadic Stock, Ayaronline News Agency (in Persian)

Romer, David. (2012). *Advanced Macroeconomics*, University of California, Berkeley, Forth edition

Saeedi, Ali. (2017). *Bases and Components of Resistance in Economy*, Comprehensive Scientific Base of Qasd (in Persian)

Saeedi, Ali, Qorbani, Abdolazim and Safavi Pour, Seyyed Mohammad Ali. (2014). *Explaining the Good Model of Jihadi Movements of Basij in Realization of Knowledge-Based Economy*, Tehran: National Congress of Moqavematy economy (in Persian)

Safinezhad, Javad. (1996). *Central tribes of Iran*, Tehran: Amir Kabir (in Persian)

Salah, Mehdi and Nemati, Mohammad Ali. (2016). *The Results of Nomadic Residing Plan on the social, economic and cultural life of Lorestan (1923 to 1933)*. Jurnal of Historical Researches of Iran and Islam, No. 19 (in Persian)

Supreme Leader's Remarks in a Large Crowd of Bojnourd People. (2012). Ayatollah Khamenei's Information Center (in Persian)

Supreme Leader's Remarks in Razavi Holy Shrine. (2015). Ayatollah Khamenei's Information Center (in Persian)

Supreme Leader's Remarks in the Meeting of Explaining Moqavematy Economy Strategies. (2013). Ayatollah Khamenei's Information Center (in Persian)

Tavakoli, Ali, Rouhani, Ali Akbar, Platonism, Mohammad Reza, Nakhaee, Nozar and Hajizadeh, Effat. (2007). *The Attitude and Practice of Kerman Tribesmen According to Their Current Beliefs about Health Care in 2003*, Hormozgan Medical Journal, No. 2 (in Persian)

What is Rangeland Note?. (2017). Department of Natural Resources and Watershed of West Azarbaijan (in Persian)

Zaribaf, Seyyed Mehdi, Nasekhian, Ali Akbar and Saeedi, Ali. (2015). *Justice as a Method: The Methodological Approache to Islamic Economy*, Journal of Islamic Economics Studies, No. 15